

پناه و توانائی ما خداست

بزرگمهر وزیر

سرود (مزمور) ۴۶

پناه و توانائی ما خداست	چو آواز قدّوس آید همی
که در تنگناها ، مددکار ماست	گدازیده شد پیش او عالمی
چو این است ، ترسان نباشیم ما	خدای توانا که همراه ماست
دگرگون شود گر جهان پیش ما	خداوند یعقوب ملجای ماست
به ژرفای دریا بلرزد چو کوه	بیائید بر کار او بنگرید
دل ما ز بیمش نیاید ستوه	چه ویرانگی در جهان شد پدید
پراشوب گردند اگر آب ها	فرو می نشاند همو جنگ ها
به لرزه درآیند اگر کوه ها	سراسر به گیتی ، به فرسنگ ها
یکی رود درشهر قدّوس اوست	کمان بشکند ، می بُرد نیزه ها
که شهر خدا خرم از جوی اوست	بسوزد به آتش هم ارابه ها
چو اندر میانش خداوند ماست	بیاسای و من را خداوند دان
بر آن شهر سستی و جنبش کجاست؟	که خود برترم از قیاس و گمان
خداوند او را نگه دار شد	بخوانند مردم مرا آفرین
پگاهان که خورشید در کار شد	به گیتی سراسر منم برترین
همه مردمان پر زغرّش شدند	خدای توانا که همراه ماست
همه کشوران پر ز جنبش شدند	خداوند یعقوب ملجای ماست